

بسم الله التّور

الميزان خوانی جلسه صدوهفدهم- سوره مبارکه اسراء- ۲۵/ مهر/ ۱۴۰۲

- ادامه شرح آیات سیاق ۵۶ تا ۶۵ تا ابتدای آیه ۶۴

- تشریح و بسط آیه ۶۰ و بحث شجره ملعونه

- اقسام لعن شدگان در قرآن: ابلیس، مشرکین، یهود

- بحثی پیرامون رویا در آیه ۶۰

- تکلیف رسم نمودار درختی برای اقسام حالات و نظریه ها در باب شجره ملعونه از دیدگاه المیزان

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ "

ادامه شرح آیات سیاق ۵۶ تا ۶۵ تا ابتدای آیه ۶۴

تشریح و بسط آیه ۶۰ و بحث شجره ملعونه

جلسه صدوهفدهم المیزان در محضر سوره مبارکه اسراء هستیم.

هفته پیش من یک مقدمه‌ای را راجع به شجره ملعونه گفتم ولی خب خیلی جای بحث داره خیلی مواردش زیاده، امروز مجبوریم که به همین قضیه بپردازیم. عرض کردم این سیاق که توش هستیم به اندازه کل مباحث اسراء کار داره یعنی اینقدر این سیاق سنگینه. یکی دو تا سیاق جلوتر هم باز همین مسئله را داریم که مباحث خیلی سنگین و مفهوم‌های عمیقی داره امروز هم راجع به شجره ملعونه ان شاءالله صحبت می‌کنیم اگر تونستیم یکی دو آیه جلوتر خواهیم رفت.

آیه ۶۰ "وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾"

آیه ای که راجع به شجره ملعونه صحبت می‌کرد. آیه ۶۰ سوره اسراء. حالا در باب شجره ملعونه امروز میخواهیم مفصلتر صحبت کنیم.

چهارتا فقره این آیه داره یعنی چهار قسمته. تیکه تیکه شو داشته باشید با هم کار داریم.

"وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ" این یک.

"وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ" این قسمت دوم.

"وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ" مورد سوم.

"وَ نُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾" این قسمت آخر.

پس یه آیه‌ی چهار فقره‌ای هست که هر چهار فقره به هم ربط دارند به هم وصل هستند و حکایت از یک امر را

دارند یعنی هر چهارتا فقره آیه یک امر را میخواهد بگه. جداگانه نیست مسائلش.

## اقسام لعن شدگان در قرآن : ابلیس ، مشرکین ، یهود

بریم سراغ کلمات آیه و بحث رؤیا و اینکه در اسلام و در قرآن چه چیزهایی لعن شده. من هفته پیش هم عرض کردم در روایات شجره ملعونه اشاره به بنی‌امیه داره ولی همین رو می‌خواهیم به شکل اثباتی امروز صحبت کنیم.

در قرآن کیا لعن شدند؟ کیا ملعون هستند؟ شیطان، ابلیس. جالبه کافرین لعن نشدند. مشرکین لعن شدند چون این دو تا گروه از هم جدا نیستند. پس یکی ابلیس شد، یکی مشرکین شد؛ دیگه؟ دوازده بار یهود لعن شدند؛ دیگه؟ منافقین . منافق و یهود و شیطان و مشرکین. چهار گروه هستند.

در قرآن، چهار گروه لعن شدند مصداق لعن خدا قرار گرفتند و علاوه بر اینها مثلا یه مردمی یه جماعتی یه کار خاصی کردند لعنهای اختصاصی، اونها گروهی نیست مثلا کسی که به همسر پاکدامنش تهمت بزنه، مثلا این لعن هست. موردی ها را کاری نداریم به شکل گروهی این چهارتا هستند یکی ابلیس و جنودش، یکی یهود، یکی مشرکین و یکی منافقین.

اینجا آیه از سوره احزاب آوردند، خانم مرادخانی کافرین به تنهایی نیست. (دقیقه ۵) این سوره احزاب کلا منافقین هست بعد اثبات می‌کنه کسانی که منافق هستند اینجا به کفر رسیدند، نه کافرینی که از اول مسلمان نشده بودند، خب؟ فرق می‌کنه.

**سوال:** برای این چهار گروه واژه لعن اومده؟ پاسخ: برای چهار گروه جاهای مختلف واژه لعن براشون به کار رفته. کافرین به تنهایی، کفری که ذاته، نه این کافرینی که سوره احزاب آیه ۶۴ هست "إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا" سوره احزاب مدنی و راجع به منافقین هست. یا سوره توبه هم همینو داریم که منافقین را کلی راجع بهش صحبت می‌کنه آخرش اثبات می‌کنه که این منافقین کافرن، این کافرها را نمیگم. کفر ذات ها را میگم. کفر ذات ها لعن نشدند اونا دیگه مستقیم وارد عذابند دیگه. اصلا بهشتی نبوده که از رحمت دور بشن و وارد عذاب بشن. فرق می‌کنه عبارت‌ها را دقت بفرمایید. خب! این از این.

**سوال:** ملعون با مغضوب چه فرقی می‌کنه؟ پاسخ: ملعون یه جور انگار یه اعراض هست یه قهر کردنه یه نشان دادن ناراحتی هم هست علاوه بر غضب. غضب خشمه دیگه، حالا دنبال غضب، عذاب و اینها هست. لعن علاوه بر اون خشم و عذاب و اینها، یه روبرگردان یه بی‌اهمیتی یه بی‌اعتنایی. که اصلا خدا بهشون اعتنا نمیکنه کاری باهاشون نداره.

**سوال:** غضب بهتر از لعن هست؟ پاسخ: ببینید بهتر و بدتری نداره نه مرتبه ای هم نیست. لعن کلی تر هست. اینجوری بهتون بگم خدا از یه تعدادی اعراض کرده حالا نسبت به اون تعدادی که اعراض کرده ممکنه یا مستقیم وارد عذاب کرده یا تیکه تیکه غضبش را شامل حالشون کرده مثل مغضوبینی که توی سوره حمد داریم. باز اتفاقا

یهود تنها قومی هستند که هم مغضوب هستند هم ملعون یعنی در قرآن یهود تنها قومی هستند که هم مغضوب هستند هم ملعون .

**سوال:** مرتبه نداره؟ پاسخ: نه نمی‌تونیم درجه‌بندی کنیم.

**سوال:** آیا قوم یا کسی که همینها که فرمودید مورد لعن قرار گرفته باشند، توبه کنند اون اثرات اون لعن برگردانده میشه؟ پاسخ: بله؛ با توبه همه چیز عوض میشه با توبه همه چیز از اول بازسازی میشه در واقع. باز مثلا کسانی که با حالت کفر بمیرند اینها مسلمانانی هستند که کافر شدند نه کافران بذات. دوستان: اینها مرتد هستن. استاد: بله؛ اینها ملعونند اینها گروههای خاص هستند یا اونها که آیات خدا را کتمان میکنند یا اونهایی که رسول خدا را آزار میدن، اینا تیکه‌های جمع و جورتری هستند نسبت به اون چهارتای اولی که عرض کردم.

**سوال:** اینا در ادامه همون نبود؟ پاسخ: ببینید ما می‌خواهیم همه ملعونین قرآن را ببینیم کیا هستند. بله. بعد اومده گفته شجره و این شجره ملعونه یعنی وصف لعن را آورده برای شجره قرار داده " **وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ**" شجره به چی میگن؟ به درخت‌هایی که ساقه دارند. ساقه و شاخه دارند. و همچنین علاوه بر گیاه به ریشه‌های عقیدتی، و شاخه‌های فرعی هم شجره گفته میشه. به خاطر همین به یک دودمان، به یک خاندان، مثلا میگه ما شجره نامه داریم. به معنای، ریشه‌های ادامه دار داخل یک نسل هم شجره بهش گفته میشه. چه ریشه‌های تناسلی یعنی زاد و ولدی مثلا من، پدرم، جدم، جد جدم همه اینها مثلا تا هفت نسل را بعضی‌ها میرن دنبال شجره‌نامه‌شون. یا ریشه‌های اعتقادی مثل مثلا اهالی یک شهر، اهالی یک فرهنگی، بدون اینکه رابطه زاد و ولدی با هم داشته باشند به یک چیزی عقیده دارند به اینها میگن شجره، هم‌فکرند. یا پس تناسلی هست زاد و ولدی هست یا عقیدتی هست به یک چیزی عقیده دارند.

حالا می‌خواهیم ببینیم که الان منظور از شجره در قرآن کی هست؟

لسان‌العرب یک کتاب لغته میگه که وقتی می‌گویند فلانی از شجره مبارکه ای هست یعنی این که ( **دقیقه ۱۰** ) دودمان مبارکی داره پربرکته. مثلا حالا سادانه یا یه خاندان پربرکتی هست. در کلام رسول خدا هم همین مفهوم هست یا مثلاً عباس عموی پیغمبر باز یه حدیثی داره که میگه که این زاد و ولدی هست میگه که عموی هر کسی صنو پدرش هست، صنو شنیدید توی قرآن کجا داریم؟ حافظان قرآن. صنو. صنوان نداریم؟ "**صِنَوَان** وَ غَيْرُ صِنَوَانٍ" شاخه. میگه عمو و پدر از یک شاخه هستند. مثلا این یه حدیث.

حالا بیاییم جمعش کنیم پس یه دودمانی داریم چه عقیدتی چه زاد و ولدی، یه دودمانی داریم یکی از این چهارتا هست یا جنود شیطان هستند ابلیس و بچه‌هاش، یا منافقین هستند یا مشرکین هستند یا یهودند اهل کتاب. این کیه؟

**سوال:** ببخشید این تیکه الان قرآن به قرآن هست؟ پاسخ: بله.

بعد علامه میفرمایند که این تطبیق نمیکنه بر مشرکین. با توجه به اتفاقاتی که در زمان رسول خدا رقم زدند اینها یک دودمان نبودند تطبیق نمیکنه یا مثلا به اهل کتاب (البته ما توی جلساتی که با هم داشتیم نزدیک یک سال و خورده ای هم طول کشید) میگیمن منافقین همون شاخه یهود هستند، درسته یادتون هست؟ توی مباحثی که داشتیم منافقین همون شاخه یهود هستند.

علامه میاد اهل کتاب را از منافقین جدا میکنه. میگه ما با این منافقین سر و کار داریم. اهل کتاب هم بهشون تطبیق نمیکنه این شجره ملعونه. ولی منافقین اتفاقا مورد منطبقی هستش که این شجره ملعونه دقیقا همونه. یعنی منافقین قرآن و منافقین زمان حضرت پیغمبر کارهایی کردند و اتفاقا دودمانی بودند، حتی شما عقیدتی هم در نظر بگیرید یه بحث هست، خاندانی هم بگیرید باز به یک خاندان خاصی تعلق میگیره یه خاندانی به شکل ریشه دار، که اینها پخش شدند در جامعه اسلامی و باعث فتنه مردم شدند فتنه یعنی مردم با اینها امتحان شدند، یا به اینها گرایش پیدا کردند یا نه ایمانشون را محکم نگه داشتند. به هر حال یک شجره ریشه داری داریم که اینها باعث فتنه مردم در زمان حضرت پیغمبر تا الان، یعنی تا الان این بحث هست.

**سوال:** اینکه میگیمن اهل کتاب نبودند ولی از اون طرف میگیمن منافقین یهود بودند مثلا از بین اهل کتاب یه گروه خاصی را نگاه کنیم؟ پاسخ: از بین اهل کتاب یه یهودی هستند که نفوذی شدند داخل اسلام تحت عنوان منافقین. که ما وقتی که توی مباحث فاطمیه گفتیم یا توی مباحث حالا انبیا، اگر یادتون باشه گفتیم که این منافقینی که در تاریخ اسلام میبینیم امثال معاویه، عمروعاص، همه اینها یه جورایی به یهود وصلند. حالا یا گمارده یهود هستند یا نه واقعا خودشون هم بی تمایل و بی رغبت به یهود نیستند.

بعد علامه میفرمایند که تاریخ نشون میده که خدا مسلمانان را از شر مشرکین و اهل کتاب یه جورایی ایمن کرده یعنی خیلی نذاشته که اونها بیان جامعه مسلمین را از داخل بیوسوند از داخل دچار فساد کنند اما یه گروهی داریم که از داخل اومد اسلام و مسلمانان را از هم پاشوند، جامعه اسلامی را از هم پاشوند غیر از یک فرقه کوچکی غیر از یک گروه کوچکی، (حالا نگیم اسم فرقه) که اینها پابرجا موندند. خب این تطبیق میکنه بر منافقین.

### **بحثی پیرامون رویا در آیه ۶۰**

بعد یه رویایی هم توی آیه هست. دو تا فقره توی آیه داریم "وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ" یک رویایی پیغمبر دیدند. رویا را ما کلا به (دقیقه ۱۵) عوالمی که انسان در خواب میبینه، اطلاق میکنیم، رویا

درسته مصدره حالا همه این چیزها را خواهیم گفت. ولی مصطلاحا به عوالمی که در خواب میبینیم حالا به سفرهایی توی خواب ممکنه برامون اتفاق بیفته یا یک مشاهداتی داشته باشیم بهش میگیم رویا .

فقره دوم: "وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ" با هم وصلند یعنی اون رؤیا با اون شجره ملعونه با هم ارتباط دارند یعنی این واو، واو چیه؟ عطف هست. پس یک ارتباطی باید بین رویایی که پیغمبر دیده با شجره ملعونه‌ای که در قرآن هست پیدا بکنیم این یک نکته.

بعد آخر این سه تا فقره گفته که: "وَنُخَوِّفُهُمْ" ما اینها را موعظه کردیم، ترسوندیم چه با هشدار چه با مثلا به سری عذابهای خیلی موردی و جزئی ولی اینها نترسیدند. یعنی جوری شده اینقدر این فساد ریشه دار شده، اینها با این تخویف ها (یعنی ترساندن، از خوف میاد)، هیچ ترسی به خودشون راه ندادند که اتفاقا چی شدن؟ طغیانسون هم تازه بیشتر شده. "وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾" یعنی خدا میگه که من هشدار دادم به اینها، اینها را ترساندم اما اینها روز به روز بدتر کردند.

بعد اونجایی که میگه اول آیه میگه که "وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطٌ" انگار به پیامبر داره تسلیت میده پیغمبر نگران نباشی، من خدا احاطه علمی دارم بر اینها یعنی حواسم هست. می‌دونم که یه گروهی میان ریشه میدوند فساد میکنند، جامعه را از تو، در ظاهر از هم میپاشوند من بهشون احاطه دارم می‌دونم و به تو هم نشون دادم، یه قسمتی از این فتنه‌ها را من توی خواب به تو نشون دادم.

خوابه چیه؟ توی بحث روایی هست خوابه اینه که پیغمبر دیدند که گفتیم هفته پیش، میمون‌هایی از منبر پیغمبر بالا میرن که وقتی پیغمبر از خواب بیدار شدند گفتند یه همچین خوابی دیدم و این میمونها مصداق یعنی اسم میارند، بنی‌امیه هست. اسم آورده توی بحث شأن نزول. پس مشخص شد که احاطه، احاطه علمی هست و شیوه مردم اینه که اینها فساد کردند فسق و فجور کردند در اعراض از خدا پیش رفتند و پروردگار به این بشر مفسد و به این بشر فاسد احاطه داره.

این ناس هم ببینید "نُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ" این دو تا ضمیر برمیگرده به این ناس اول آیه. یعنی یه عده ای مردم هستند خدا بهشون احاطه علمی داره اینها مصداق اون دودمان فاسدی هستند که در جامعه اسلامی هستند.

**سوال:** شجره ملعونه میشن؟ پاسخ: بله. یکی یکی میگه که ما به تو گفتیم پیغمبر، خدا به ناس به مردم احاطه داره.

حالا این ناس کیه؟ الف و لام داره دقت کنید، الف و لامش عهده. یه تعدادی. این ناس کیه؟ میگه من توی خوابم به شما نشان دادم یه تعدادی هستند که اومدند از منبر بالا، کیا؟ این شجره ملعونه هست ببینید انگار خدا تیکه تیکه داره پازل را میچینه، یعنی از فقره اول آیه تا چهارم داره پازل را میچینه. که اینجوری هستند

خدا بهشون احاطه داره در رویا به تو نشون دادیم پیغمبر اینها مصداق شجره ملعونه هستند و هیچ موعظه و پند و در واقع ترساندنی در اینها اثری ندارد.

**سوال:** ناس دوم با اون اولی فرق داره؟ پاسخ: عهد ذکری هست .

**سوال:** اون ناس دوم که "فِتْنَةُ لِلنَّاسِ" همه مسلمان ها هستند بیشتر ولی اون ناس اولی همون شجره ملعونه هست؟ بله. این درسته.

حالا ببینید که اتفاقی افتاده به محض اینکه پیغمبر اینو فرمودند که این بنی‌امیه هست حالا بریم دعوی مفسرین. یک جوری اینو تلاش کردند که بنی‌امیه را کمرنگ کنند از این قضیه، ( دقیقه ۲۰ ) حالا ببینید دعواهای مفسرین خیلی جالبه، چالش‌های بین مفسرین، چرا بنی‌امیه براشون سنگین اومده یعنی وقتی خدا گفته، پیغمبر گفته اینا بنی‌امیه هستند چرا بعضی‌ها تلاش می‌کنند اینو عوضش کنند؟ ببینید یک، دو، سه میکنم اگر کسی بتونه این مباحث شجره ملعونه را نمودار درختی بکشد خیلی جالب میشه. این وقت را امشب بذارید این قسمت شجره ملعونه را نمودار درختی کنید از دوستان هم میخواهم این زحمت را بکشند .

**سوال:** در مورد این رویا سوال دارم حالا نمیدونم توی المیزان اشاره به این شده، اینکه چرا در واقع بنی‌امیه را به شکل میمون دیدند حضرت رسول؟ یعنی به شکل مثلا خوک ندیدند، چرا؟ چرا میمون انتخاب شده؟ پاسخ: میمون به راحتی بالا میره، خوک بالا نمیره.

**سوال:** این اشاره شده توی المیزان؟ پاسخ: نه اشاره نشده ولی یکی از فلسفه‌هاش اینه که میمون از منبر داشت بالا می‌رفت. خوک که نمیتونه از پله‌ها بالا بره .

**سوال:** میخواستم بدونم ربطی بین خصلت این حیوان و این شجره ملعونه هست یا نه؟ پاسخ: رابطه میمون و شجره دقت کنید، میمون همیشه کجاست؟ همیشه بالای درخت هست.

**سوال:** اون بنی‌اسرائیل نیست که تبدیل به قرده شدند؟ پاسخ: نه؛ اون خیلی غیر مستقیم هست، میمون همیشه بالای درخت هست به راحتی از درخت بالا میره. شجره، میمون. شما ارتباط بدید دیگه.

**سوال:** خصلتشون چیه؟ پاسخ: خصلت بالا رفتن هست. به نظر من بالا میره، همینو عرض کردم از پله‌های منبر به راحتی بالا میرن از درخت بالا می‌رن .

یه چیزی بگم توی روایات خیلی میمون مدح نشده، جالبه. یه خصلت‌های خاصی داره اتفاقا چون حیوان پیشرفته‌ای هم هست، نزدیکترین حیوان به انسان هست، روابط فاسد زیاد داره میمون. روابط فاسد بین میمونها زیاده. اینه که حالا ممکنه که به این شکل ازش یاد شده. و ما خیلی از تجسم اعمال مون توی عالم برزخ و قیامت بحث میمون را داریم. میمون و خوک و الاغ و مثلا الاغ یک گروه هستند، میمون یک گروه هستند،

خوک یک گروه هستند، مار یک گروه هستند اینها گروههای مختلف هستند. یعنی انگار که یک نماینده صفات هستند اینها.

مفسرین حالا افتادند به زحمت؛ به قول علامه. یکی اومده گفته که: مراد از رویا بحث معراج هست این یک. اینو یک داشته باشید. مراد از رویا بحث معراج هست پس مراد از شجره ملعونه هم شجره زقوم هست "ان الشجره الزقوم" توی سوره دخان یعنی پیغمبر وقتی از معراج برگشت و صبحش به مشرکین خبر داد، اینها مسخره کردند پیغمبر را، همین مسخره را موقعی داشتند که پیغمبر راجع به شجره زقوم هم صحبت کرد اومدند گفتند پیغمبر خودش میگه توی جهنم آتیشه همه چیز در حال سوختن هست. بعد میگه که یه درختی توی جهنم هست چجوری یه درخت در داخل آتیش سبز میشه و رشد می‌کنه؟ ببینید تصورات خودشونه. مسخره می‌کردند، این نظر یک، که علامه دونه دونه اینها را جواب میده.

من معمولا این نظرات مفسرین را نمیگم به خاطر اینکه طولانی نشه ولی اینجا لازمه که حتما بحث شجره ملعونه را بیشتر بازش کنیم.

باز یه نظر گفته که: رویا؛ هر چیزی که انسان در شب ببینه چه در بیداری چه در خواب یعنی چون پیغمبر معراج را شب رفتند پس این هم مصداق رویا هست این یه نظر.

یا سومی گفته که: از این نظر رویا خوانده که مشرکین فکر می‌کردند پیغمبر خواب دیده، مسخره کردند، پیامبر اومدند گفتند من دیشب طبقات هفتگانه آسمان را رفتم و طی کردم و برگشتم، اینها مسخره کردند و گفتند تو خواب بودی یعنی از دید مشرکین داره میگه رویا. این هم نظر سوم.

و یه نظر دیگه اینه که اصلا عایشه و معاویه گفتند که اصلا کلا معراج در خواب بوده؛ گرفتید چی شد؟ (دقیقه ۲۵) این از این انگار ناشی شده. مفسرین با استفاده از نظر عایشه و معاویه گفتند که پیغمبر در خواب رفته بالا و برگشته.

بعد علامه میگه که بهشون اشکال کردیم که آخه رویا صحنه‌هایی هست که آدم در خواب میبینه، اینا گفتند که رویت مصدره، چه خواب چه بیداری، اطلاق میشه. بعد علامه میگه اصلا ما همچین چیزی توی علم لغت نداریم. رویا صحنه‌هایی هست که انسان در خواب میبینه. صحنه‌هایی نیست که در عالم بیداری ببینه. این از دید اربابان لغت.

بعد باز علامه اشکال کردند که چرا شما درخت زقوم را شجره ملعونه مینامید؟ مگر درخت چه کرده که ملعون بشه؟ گفتند که منظور از لعن، لعن خورندگان از اون درخت هست یعنی مجازا بهش اطلاق شده. مبالغه در واقع کرده. یا مثلا گفتند که این شجره از این جهت ملعون هست که توی جاهای دیگه‌ای مثلا گفته "طَلْعَهَا كَانَهُ"



رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ" میوه‌هاش سرهای شیطان هستند. شیطان هم که ملعون هست پس درخته ملعونه یعنی یه دوری زدند اینجوری. این نظر پنجم، ششم هست.

یا مثلا یکی گفته که عرب هر غذای ناپسند و سمی و مضر را ملعون میخواند. پس شجره مزبور هم به خاطر همین مثلا میوه سمی داشته. ببینید چقدر تلاش کردند که از بنی‌امیه دور کنند این قضیه را، جالبه، یعنی هر کسی اومده یه نظری داده.

**سوال:** کسی نگفته اون درختی هست که آدم و حوا ازش خوردند؟ پاسخ: اون درخت آدم و حوا ملعونه نیست، ممنوعه هست.

بعد علامه میگن که معراج را رویا نامیدند به خاطر اینکه فکر کردند که معراج در خواب بوده یا مثلا برای خودشون همچین توجیهی کردند. علامه میگن ما همچین توجیهاتی را نمیاریم از قرآن به دور هست به این شکل بکنند و گفتند که معراج در خوابه که علامه گفتند که اصلا بحث معراج در بیداری اتفاق افتاده "الَّذِي أُسْرِيَ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا" الی آخر. بعد گفتند که لعنت، مطلق راندن، مطلق دور کردن هست. نیاز نیست که حتما بحث رحمت را بیاریم یا بحث مثلا نعمتهای خداوند. مثلا دورشدن، چرا این شجره ملعونه اسم دورشدن براش آورده؟ (اونا گفتند مفسرینی که دارند تلاش می‌کنند) بعد گفتند به خاطر اینکه این شجره ملعونه خیلی دورتر از بهشت هست. اینم یه تلاش. خلاصه زحمت کشیدند بنده‌های خدا.

یا گفتند: "شَجَرَةٌ تُنْبِتُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ" یعنی اصلش اون ریشه اصلیش توی جحیم بوده توی جهنم بوده بعد این هی شاخه داده فاصله گرفته از بهشت، پس دور شده.

یا گفتند همونی که گفتیم که میوه‌هاش شیطان هست علامه گفتند همچین مجازی اینقدر غیرمستقیم قرآن بهش نمی‌پردازه از دأب قرآن به دور هست. یا اونجایی که گفتیم غذای ناپسند، گفتند همچین چیزی اصلا ثابت نشده خلاصه همه را رد کرده.

یکی اومده گفته نه همه اینها غلط هست، زمخشری. میشناسید؟ زمخشری یه تفسیری داره بسیار ادبی. تفسیر کشف زمخشری. گفته نه معراج هست نه این سرهای شیطان هست، نمیدونم، نه دور کردن هست. اصلا جنگ بدره. خب؟ علامه جالبه علامه میگن که باز دمش گرم یعنی این دور کرده از اونها ولی اومده یه حرف بدتر زده. رفته توی یه فاز دیگه. گفته جنگ بدره. میگه که بحث بدر و اون پیروزی که در واقع منجر به شکست دشمن میشه همه توی آیات گفته شده "سَيَهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ" هست (دقیقه ۳۰) در سوره قمر یا "قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ" سوره آل عمران اینها هست که این کنایه از جنگ بدره. بعد میگه که دو تا دشمن به جان هم افتاده بودند در اثنای جنگ حضرت پیغمبر با ابوبکر یه قرارمداری داشتند بعد مثلا حضرت

پیغمبر اونجا دعا میکنند زره به تن دارند بعد آیه "سَيَهْرَمُ الْجَمْعُ" را میان میخوانند. خلاصه من نمی‌دونم چه ربطی به چیز داره؟ در عالم رویا جنگ بدر، قتلگاه دشمنان را به پیغمبر خدا نشان داده اونجایی که میگه که "وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي"

در عالم رویا قتلگاه کشته شدگان بدر را به پیامبر نشان میده بعد اونها مسخره میکنند بعد حالا مثلا اینجا قرآن داره جواب مسخره اونها را میده .

**سوال:** ربطش داده به اون یکی رویا که راجع به "اذیریکهم الله"؟ پاسخ: آفرین؛ آره.

بعد علامه میگن که این رویا یعنی رویای جنگ بدر، بعد از هجرت هست. رویای سوره اسراء اصلا مکی هست قبل از هجرت هست هیچ ربطی اینها از لحاظ زمانی بهم ندارند.

یه رویای دیگه‌ای باز یکی گفته، رویای قبل از صلح حدیبیه هست. ماجرای اون رویایی که پیغمبر می‌بینند که همه با سرهای تراشیده وارد مسجدالحرام میشن، قبل از صلح حدیبیه هست دیگه. مثلا دیگه می‌ره سال ششم، هفتم هجرت. اصلا هیچ ربطی به دوران سوره اسراء نداره. خلاصه کل مطلب اینه خیلی زحمت کشیدند که از بنی‌امیه دور کنند این آیه را. خیلی براشون سنگین بود.

و علامه جواب تک تک اینها را داده با دلیل و مدرک.

**سوال:** یعنی مفسران تلاش کردند دور کنند؟ مفسران سنی؟ پاسخ: بله.

**سوال:** بعد این شجره ملعونه توی این روایات راجع به ریشه و اینهاش صحبتی دیگه نشده؟ دودمان بنی‌امیه هم زاد و ولدی هم عقیدتی هست هر جفتش.

**سوال:** ارتباط پیدا میکنه با اون ابلیس یا منافقین همینا که شما توی تاریخ گفتید توی روایات هم مثلا چیزی اشاره شده؟ پاسخ: ببینید شاگرد ابلیس که هستند ولی مصداق بارز شجره ملعونه در این آیه بر اساس روایت، بنی‌امیه هست. ما یه دونه خلیفه بنی‌امیه داریم یعنی ۲ تا بگیم یکیش معاویه بن‌یزید بن معاویه هست، به محض اینکه یزید به درک واصل شد اومد گفت آقا من حکومت نمی‌خوام من اصلا این مسند را نمی‌خواهم اصلا بدون اینکه بشینه انصراف داد. این هیچی. یه دونه هم میدونید کیه دیگه؟ اصطلاحا میگن خلیفه نجیب آل بنی‌امیه، اسمش چیه؟ عمر بن‌العزیز. این بنده خدا هم دو سال بوده یه زحمتهایی هم کشید مثلا فدک را برگردوند مثلا لعن را برداشت، کتابت حدیث را رسمی کرد ولی خب نداشتنش، سریع کشتنش. دو سال بوده. عمر بن‌العزیز میگن نجیب آل امیه هست معروفه بین علماشون، یه آدم نجیبی بوده، هر چی بوده به هر حال نجیب بوده. شبیه کریم‌خان خودمون هست درسته اینا پادشاه هستن درسته حاکمند ولی خب یه جاهایی از دستشون درمیره خوب میشن. یه رأفتی به قول شما دارند .

## تکلیف رسم نمودار درختی برای اقسام حالات و نظریه ها در باب شجره ملعونه از دیدگاه المیزان

**سوال:** این شجره که قراره ما اونها رو بکشیم باید همینا رو بکشیم؟ پاسخ: این انواع حالتها یک، دو، سه، چهار. چند تا نظر داریم راجع به شجره ملعونه و رویا، نظرات را بگید و اشکالاتی که بهش وارده و جواب علامه. میتونید؟ متوجه شدید چی شد؟ ببینید این متن تفسیر المیزان راجع به شجره ملعونه، از اون بالا بخونید، خود بحث شجره که اصلا به چه معنا هست؟ رویا به چه معنا هست؟ ملعون کیا هستند؟ بعد بیاید نظرات مختلف را دسته‌بندی کنید و جوابهای علامه را به اون نظرات مختلف. درست شد؟ نمودار درختیش را بکشید خیلی خلاصه اندازه دو سه کلمه. این تکلیف هفته آینده. خیلی لذت‌بخشه، برید این کار را انجام بدید بعد می‌بینید که چقدر ما توی آیه میتونیم تعدد تفسیری داشته باشیم. هفت هشت مورد من اینجا گفتم. ببینید چقدر نظرات تفسیری اینجا خودش را نشون میده. ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره علامه میگن نزدیک یک میلیون تا تفسیر هست. یعنی هر کسی یه نظری داده. (دقیقه ۳۵) این دیگه علم تفسیر اینقدر گسترده هست و وای به روزی که از اصل آدم فاصله بگیره یعنی ما اگر روایات را نداشته باشیم اگر براهینی مثل عقل را استفاده نکنیم ما هم میتونیم به راحتی مفسر بشیم یعنی هر کسی یه حرفی بزنه بگن طرف تفسیر کرده. خب بریم آیه بعد.

آیه ۶۱ "وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾"

جناب طبرسی در مجمع‌البیان از زجاج (یکی از مفسرین) هست نقل می‌کنه که کلمه طیناً که اتفاقاً هم جامد هست گفته حال هست می‌دونیم که حال نمیتونه جامد باشه اکثرا یعنی ۹۹ درصد حال مشتق هست حالا اتفاقاً یه جاهایی داریم که حال، جامد باشه، کاری نداریم این یه نظر. حاله به خاطر همین منصوبه. و بخوایم با حال معنی کنیم چجوری معنی میکنیم؟ دیگه ترجمه یاد گرفتید دیگه؟ این تیکه را معنی کنید .

"وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾" این تیکه که حال

هست ترجمه کنید؟ چگونه سجده کنند؟ در حالیکه از گل بود. این یه نظر.

علامه میگه یه دونه من بذارید پشتش میشه چه نوع مفعولی؟ اگر گفتید. مفعول به نزع خافض. از گل. من توی ترجمه ناچار شدم از گل بیارم، علامه میگه درسته توی مجمع‌البیان اونجا گفته ولی چون شما توی ترجمه ناچارید از گل بگید یه من میاریم میشه مفعول به نزع خافض. این دو تا.

سومی را ببینید؛ یه من نهفته داره و توی کشاف گفته که مفعول برای خلقت نیست در موصول هست.

یکی هم گفته تمیزه. چون جامد هست تمیزه.

**سوال:** اینجا چرا خودش من را نیاورده؟ پاسخ: یه نوع بلاغت هست.

یا تمیزه یا حاله یا مفعول به نزع خافض. هر سه تا را علامه آورده و گفته همیشه.

**سوال:** آخر این آیه‌ها همش همینه؟ پاسخ: وزن سوره هم آخرش نصبه دیگه بله.

**سوال:** اینجا فرمودند که تکلیف و با نحوه انجام را دوباره بفرمایید؟ پاسخ: عرض کردم این قسمت شجره ملعونه المیزان را بخونید. تیترا متن شما این باشه که معنی شجره از دیدگاه المیزان چیه؟ معنی ملعونه چیه؟ کیا ملعونند؟ رویا چیه؟ اول نظر علامه را جدا کنید بالا بنویسید بعد نظرات مختلف را یک، دو، سه، چهار، تا شش، هفت نظر داشتیم. نظرات را بگید جلوش تحلیل علامه. درسته؟

هر چند نفری که میتونید انجام بدید، یاد بگیرید متن خوانی المیزان را. چون خیلی تو هم ترجمه میشه، المیزان این مشکل را داره یعنی اگر کسی وارد نباشه نمیتونه از متن یه چیز منسجم دربیاره، شما انسجام خوانی میکنید در واقع.

**سوال:** شجره طیبه را هم میشه رسم کرد؟ پاسخ: شجره طیبه که بحث " مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً " هست! بله بله اون اینقدر شاخه شاخه نداره اون خیلی کلی هست. اینه خیلی نظر توشه و نظرات هم بیشتر کلامی و اعتقادی هست یعنی دقیقا توی کلام ما باهاش.

دوستان: بعد میگه کلمه طیبه " مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً " یعنی به باورهای توحیدی! استاد: بله عقاید حقه. توی سوره فاطر میگه " يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ " به عقاید توحیدی شجره طیبه میگه.

پیشنهاد جالبی بود کلمه طیبه حالا اگر می‌رسیدیم توی حالا بحث اونجا "إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ" اون برگشت ضمیر سه چهارتا نظره که "إليه" به کی برمیگرده یا "إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ" (دقیقه ۴۰) این ه "يَرْفَعُهُ" به کی برمیگرده؟ چند تا نظر هست بعد این نظرات در هم ضرب میشن. احتمالات هست دیگه. یه نظر راجع به "إليه" هست یه سه چهارتا نظر راجع به "إليه" یه سه چهارتا نظر راجع به "يَرْفَعُهُ" هست باز با این حال اینها با هم شاخه‌های مختلف تشکیل میدن، ریاضیه. نزدیک ده دوازده تا نظر هم اونجا داریم.

عرض کردیم که بحث عقیدتی هم توی شجره هست اونجا فقط عقیدتی هست اینجا دودمان هم هست نسل هم هست .

پس "طینا" هم گفتیم سه تا، یا حال یا مفعول یا تمیزه.

**سوال:** ولی علامه میگن مفعوله؟ پاسخ: علامه با مفعول به نزع خافض چون میگه که "نیز ممکن است" انگار اینو بیشتر قبول داره ولی آخرش نظر قطعی را نگفتید هر سه تا را قبول می‌کنه.

اینجا بحث "وَإِذْ" که میگه یعنی به یاد بیار یعنی واذکراذا یه همچین چیزی. یادآوری داستان ابلیس هست برای حضرت پیغمبر چون مخاطب آیات حضرت پیغمبر بودند، داستان ابلیس هست، اتفاقی هست که بین

ابلیس و خدا افتاده. وقتی میگیم ابلیس با شیطان فرق می‌کنه چه فرقی می‌کنه؟ شیطان اسم کل هست ابلیس اسم خاصه یعنی همون اولین شیطانی هست که حرف گوش نکرد، ابا کرد، استکبار داشت و سجده نکرد. ولی شیطان کلا یک طایفه هست یه مفهوم هست یه مفهوم عدمی هست. میگن موجود شریر یا شرور .

**سوال:** میتونه جن باشه میتونه انس باشه؟ پاسخ: میتونه جن باشه میتونه انس باشه، بله. میتونه حتی گیاه هم باشه می‌تونه میکروب باشه میتونه باکتری باشه. یه چیزی که شرارت داره. حالا اگر شیطان در قرآن مثلا میگه "إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ" اون الف و لام الشیطان الف و لام عهد باشه یعنی همون ابلیس. گرفتید؟ یعنی خودش معرفی کرده باشه که منظورم از شیطان این جا کیه؟ ابلیس و دار و دسته‌ش هست.

قرینه‌هایی توی آیه داریم که ما می‌شناسیم شیطان کی هستند، میگه "شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ" یعنی خودش به ما معرفی می‌کنه. دوباره یه جا میگه "إِنَّ الشَّيْطَانَ" همانا الشیطان یه دونه هست یه معرفی هست.

**سوال:** شیطان مفهوم کلی‌تر داره؟ پاسخ: شیطان بدون الف و لام مفهوم کلی‌تر هست با الف و لام باید توی قرینه آیات ببینیم.

خب خدمتون عرض کنم که یک داستانی بین خدا و ابلیس هست سجده نکرده، عصیان ورزیده. بعد انگار خدا باز داره پیغمبر را دلداری میده بین پیغمبر یه وقت نگران این بنی‌امیه نشیا اصلا ما از اول با این ابلیس و اینها ماجرا داریم. انگار یه جورایی به پیغمبر داره میگه این بنی‌امیه هم نسل همون شیطان هستند. شیطان خیلی بزرگتر از اینها بوده سالها عبادت کرده استکبار کرد اینا که خیلی نگران نکنه. باز دلداری هست. به یاد بیار زمانی را که پروردگارت به ملائکه گفت بر آدم سجده کنید همه سجده کردند مگر ابلیس. حالا انگار اینجا یکی پرسیده ببینید؛ "وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ" یکی پرسیده این وسط داخل پرانتز، خب؟ ابلیس سجده نکرد چی گفت؟ این سجده نکردنش همراه با چه عمل دیگری بود؟ جواب میده "قَالَ أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقَ طِينًا ﴿٦١﴾" آیا من سجده کنم بر کسی که... چی گفت؟ این جواب اونه! به این نوع استفهام چی میگن؟ انکاری یعنی خودش می‌دونه جواب را و داره مطلب اصلی را انکار می‌کنه.

أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقَ طِينًا ﴿٦١﴾. آیا من سجده کنم بر چیزی، بر موجودی که از گل خلق کردی؟ معلومه که سجده نمیکنم. ببینید جوابی که من دارم میدم بهش میگن استفهام انکاری. یه چیزی داخل آیه انگار حذف شده (دقیقه ۴۵) خیلی اختصار داره یا ایجاز داره این آیه. یه سری علل و عواملی هست که باعث فساد نسل بشر شده و خدا انگار این قانون را اینجوری قرارداده که این فساد توی نسل بشر بره جلو. خدا درجا ریشه کن نمیکنه به خاطر یک فساد کوچک یا حالا فساد بنی‌بشر. هر چی که هست بشر همزمان که یه گروهی دارند فساد میکنند یه گروهی هم دارند دنبال تعالی هستند، اصلاح میکنند به قول شما. این دو تا با هم هستند تا قیامت. پس از وجود شیطان و از وجود بنی‌امیه نباید انبیا و اولیا ناامید بشن و فکر کنند که کار تمومه. حالت

دلدارى هست آيه كلا، بيان علل و عواملى هست كه باعث شد ظلم و فساد بنى آدم استمرار يابد نسلش برچيده نگردد. يعنى چون قرار هست كه بشر زياد بشه زياد خدا صبر كرده فساد هم بكنند زياد بشن يعنى هم اين گروه زياد ميشه هم اون گروه تا قيامت كه ببينند چه اتفاقى خواهد افتاد.

اولين بشر بعد از حضرت آدم يعنى همين مخاطب بشر، اون ايمان نياره خدا ميگه وقتى اولين ها ايمان نياوردند بعدى ها هم ايمان نخواهند آورد. خيلى چيز عجيبى نيست.

آيه ۶۲ " قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (۶۲)" دوباره ادامه داده شيطان: " قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ " اين همينى هست كه به من كرامت، نسبت به من تفضيلش داديد اين همونه؟ داره با تحقير صحبت مى كنه.

"أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي" اين كسره چيه؟ "أَخَّرْتَنِي" هست بله. اگر منو به تاخير بندازه يعنى به من مهلت بديد تا كى؟ مهلت ميخواد.

"إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (۶۲)" كاف "أَرَأَيْتَكَ" را بهش ميگيم كاف چي؟ كاف خطاب بهش ميگيم مثل اسامى اشاره. اولئك هست، ذلك، به اون كاف اكثرا زانده، شما با اون كاف مي فهميد مخاطب چند نفر هست فقط همين! کاربردش اينه. اگر بگه كُما، مثلاً تَلَكُما داريم توى قرآن، شما مي فهميد كه مخاطب دو نفره. اگر بگه كُم متوجه ميشيد به اين ميگن كاف خطاب و معمولاً نقش زائد داره يعنى فقط به شما اين كليد را ميده كه مخاطب تون را تعدادش بشناسيد پس اينجا ميگه "أَرَأَيْتَكَ" مخاطب كيه؟ خدا. يه نفر. محلى از اعراب تقريبا نداره. "أَرَأَيْتَكَ" اولش استفهام هست.

معناى آرايتهاي قرآن مي دونيد چيه؟ آراييتكم داريم، آراييتك داريم، آراييتكما داريم اينها معنيش چيه؟ به من بگو ببينم، خدايا به من بگو ببينم. اين همونه كه به من تفضيلش دادى.

"كَرَّمْتَ" يعنى چي؟ يعنى همون كه گفتمى به من سجده كن و من حالا ابا كردم. از همون بحث سجده ابليس فهميده كه حضرت آدم و نسل آدم انسان كاملشون برترى دارند بر همه ملائكه و جن و همه موجودات و همه مخلوقات. اينو از سجده فهميده. بعد توى سوره بقره از كلام ملائكه چيز ديگه هم فهميده خب خيلى باهوشه ديگه. جن باهوشيه، اينو از سجده فهميد كه اينها برترى دارند. از كلام ملائكه فهميد اينها چيكار ميكنند؟ فساد ميكنند اونجايبى كه ملائكه ميگن آيا مى خواهيد در زمين كسى را قرار بدى كه فساد مى كنه، خونريزي مى كنه، فهميد كه اين بشر، اين انسان يه نسلى داره كه فساد مى كنه. علامه ميگه اينجا جرأت پيدا كرد همچين تمردى كنه. وقتى ملائكه گفتند اين دنبال فساد خب منم كار خودمو ميكنم يعنى شيطان از قول ملائكه فهميد كه

این بشر و این نسلش فاسد میشن، دچار فساد و خونریزی میشن خلاصه در روی زمین به جان هم میفتند ظلم میکنند به همدیگه، خب شیطان اینجا در واقع جری شد . "أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ"

(دقیقه ۵۰)

**سوال:** این سابقه ای که میگن که یه موجودات دیگه ای بودند قبل از انسان، (استاد: روایت از امام باقر داریم). بله اونوقت این ابلیس هم بوده دیگه، اونوقت اینو مثلا مسبوب به سابقه کرده یا فقط به کلام ملائک اکتفا کرده؟ پاسخ: بر اساس روایات قبل از حضرت آدم، انسان داریم، آدم نداریم یعنی نسل آدم و بنی آدم نداریم. قبل از آدم، انسانهای ما قبل تاریخ داریم حضرت امام باقر اینو فرمودند و علامه هم به این اعتقاد دارند .

ملائکه اونو گفتند شیطان هم انگار با قول اونها انگار جری شد پروتر شد منظور اینه .

**سوال:** میشه گفت کلا زندگی روی زمین، به خاطر تنازع برای بقا؟ پاسخ: بله. خودش دنبال یعنی اگر جا کم باشه خب یه عده‌ای به اون یکی حمله میکنند سر جا یا غذا کم باشه، عالم ماده این مشکلات را داره پس فساد هم توش اتفاق میفته. شیطان هم اینو می‌دونه، هم با قول ملائکه جرأتش بیشتر شد .

**سوال:** اونوقت انسان با آدم فرق می‌کنه؟ پاسخ: بله؛ ما یک بشر داریم، یک آدم داریم، یک انسان داریم.

انسان به خاطر بعد اجتماعی هست انس میگیره، جمعی زندگی می‌کنه چه انسان ماقبل تاریخ چه انسان مابعد تاریخ. انسی هست حتما باید اجتماعی زندگی کنه. بشر به خاطر بشراهش هست پوسته‌اش این چهره‌ای که داریم. آقای دکتر غفاری می‌فرمودند اگر ما این بشره را نداشتیم شما یه سر برید بیمارستان سوانح سوختگی ببینید چقدر زشت و بی‌ریخت هستیم. و حیوانات این مسئله را ندارند. انسانه که زیباییش با بشره‌ش هست بخاطر همین اسمش بشره. و آدم حضرت آدم به این‌ور، پس ما بنی‌آدمیم، بشریم به خاطر ظاهرمون و انسانیم به خاطر بعد اجتماعی مون اما انسانهای ماقبل تاریخ بشرند و انسانند، آدم نیستند. فرغشون اینه.

دوستان: بشر به اون جنبه رشدنیافته انسان میگن یعنی انگار که بشره هست توی سطح، همون لایه سطح مونده. اصلا یه جایی من دیدم نمی‌دونم توی چه تفسیری میخوندم میگفتش که بشر به همون به اصطلاح جنبه رشد نیافته انسان میگن، هنوز بالغ نشده هنوز به مراتب رشد نرسیده .

استاد: یعنی از لحاظ معنویت هست.

**سوال:** آدم یعنی همون عقل و احساسش غالب میشه؟ پاسخ: حضرت آدم به خاطر رشد تعقل، بعد از خودش میشه پیغمبر مردمان بعد از خودش. بحث عقول هست دیگه. قبل از حضرت آدم عقول اینقدر رشد نداره که بتونند یک نبی را تحمل کنند. نمی‌فهمند نبی کیه؟ چیه؟ چی میگه؟ چجوریه؟ اصلا وحی یعنی چی؟ اینو نمی‌فهمن. یادمه توی مباحث خلقتها اینها را گفتیم که الان فسیلی که از انسان اولیه هست نزدیک چهار میلیون

سال قدمت داره ولی حضرت آدم تا الان نزدیک هشت هزار سال هست یعنی انگار خدا سه میلیون و نهصد و خورده‌ایی هزار سال وایساده، صبر کرده که انسان به یک حدی از تعقل برسه که بتونه به وحی متصل بشه.

**سوال:** دوباره خدا صبر می‌کنه تا انسان عقلش کامل بشه بعد ظهور اتفاق بیفته؟ پاسخ: بله.

حضرت علی توی خطبه اول نهج‌البلاغه همینو میفرمایند "وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ" دفینه‌های عقل بشر با انبیا از زیر میاد بالا. هر پیغمبری یه تعقل بالاتری میخواد از مردم، پیغمبر آخرالزمان دیگه تمام تعقل مردم هست، دیگه از اون به بعد باید با امامان رشد پیدا کنه و برسیم تا ظهور.

**سوال:** این بخش که فرمودند که بشر قسمت رشد نیافته هست درسته؟ پاسخ: بله.

آیه آخر سوره کهف "أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ" چرا پس زمانی که آقا رسول‌الله میگن من یه بشرم مثل شما؟ پاسخ: همون نگاه سرکار خانم عاصم معنوی بود نگاه اونجا توی آیه نگاه مادی هست منم مثل شما هستم همین قیافه را دارم روی دو پا راه میرم دست دارم، چشم دارم، مثل شما ظاهر بشری دارم بشر معمولاً به قیافه خلقتی میگن .

**سوال:** خب شاید یکی مثلاً حقیقت ملکوتی داره ایشون ولی در ظاهر؟ پاسخ: حقیقت ملکوتیشون انسان کامله .

**سوال:** حقیقت مثلاً حضرت زهرا ایشون هست یه خانومی که حالا مثل مثلاً؟ پاسخ: جنبه خلقتی ظاهری با این صورت، با این قد و قواره بهش میگن بشر .

**سوال:** ببخشید پس اسم آدم (دقیقه ۵۵) به خاطر حضرت آدم هست؟ بله. ما به اعتبار پدرمون آدمیم و به

اعتبار اجتماعی بودنمون انسانیم و به اعتبار خلقت ظاهری مون بشریم. بستگی داره کدومش را رشد بدیم.

"لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾" کلمه "احتناک" مجمع‌البیان گفته قطع شدن از ریشه، علامه میگه ریشه حنک هست حنک. به معنای افسار زدن. ببینید شیطان چقدر با جرأت این حرف را میزنه یه لام تاکید آورده یه نون هم آخرش آورده نون آخر هم معمولاً میگن سه تا قسم هست انگار شیطان با لام اول و نون آخر چهار بار قسم خورده. سه تا قسم آخر نون تاکید، انگار ولله و بالله و تالله و لالله من حتما افسار می‌بندم دور این گردن این بشر "لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا" این "إِلَّا قَلِيلًا" جای دیگه گفته کیان! کیان؟ عبادک‌المخلصین. "لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿٨٣﴾" داریم.

**سوال:** شیطان علم داشته به اینکه یه قلیلی هستند که نمیشه افسار زد؟ چجوری که از همون اول استثنا زدن؟

پاسخ: نه؛ چون آدم، انسان کامل مثل حضرت آدم را میبینی پس احتمال اینکه از ذریه‌ش یه سری دیگه مثل حضرت آدم انسان کامل بشن هست. زورش به حضرت آدم نمی‌رسه ولی به ذریه‌ش که میرسه.

**سوال:** چرا رسید که؟ پاسخ: نه؛ اون توی عالم مثاله. علامه اینو قبول نمیکنه که بگیم حضرت آدم گول خورد،

غلطه. علامه قبول نمیکنه؟ نه نه عالم مثاله.



**سوال:** جنت واقعا یه جای جدای از کره زمین بوده؟ پاسخ: نه؛ بهشت زمینی هست. یکی از کرات هست همین دور و بر هست خیلی نرید بالاتر یعنی قیامتی نیست بهشت دم دست هست.

**سوال:** نه اونجوری هم نه؛ مثلا اینکه بعضی ها میگن هر جا که کلا حرف خدا را گوش کنی انگار همه چیز در اختیار هست اون جنت هست؟ پاسخ: نه نه؛ جنت حضرت آدم یه جنت مثالی هست سرسبزه، باغ هست حالا یا یه کره ای هست یا یه واقعا یه تپه ای هست چون هبوط اتفاق می افتد بلندی داره، یه بلندی داره، هبوطه. یه جای خاصی خدا اینها را توی عالم قرنطینه قرار داده تا اینها یاد بگیرند. ما اینو چند بار گفتیم آیه ۳۱ سوره، اینها یاد بگیرند که زندگی زمینی این مشکلات را داره و علامه میگن اون درخت ممنوعه آخرین زنجیره از زنجیره علل هبوط آدم به زمین هست اگر اون درخت هم نبود باز حضرت آدم میومد پایین. چون از اول گفته که "انی جاعل فی الارض" من از اول اصلا قرارم زمینه. چه اون درخت را بخوره چه نخوره، میاد زمین. اون درخت انگار به حضرت آدم نشان داد که یه چیزهایی هست در زمین که تو با اینها مواجه میشی چون تا اون موقع حضرت آدم و حوا نمیدونستند چی دارند؟ به محض خوردن از اون درخت فهمیدند که یه سری دستگاههایی دارند که در روی زمین باید با اونها ادامه بدن زندگی را.

آیه ۶۳ " قَالَ اَذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (۶۳) "

خب اینم بگم " قَالَ اَذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ " خدا گفت برو. این برو امر حقیقی نیست شاید، مثل اینکه برو هر کاری دلت میخواد بکن. اینه. آزادی. فرمان امر حقیقی نیست مجازی هست. آزادی، این فرصت به تو داده شد " فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ " هر کدوم از این انسانها از این ذریه آدم از تو تبعیت بکنند؛ بعد خیلی جالبه اول میگه " مِنْهُمْ " بعد میگه " فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ " اول اونا راه ایشان، میاره بعد چون میان توی دسته شیطان همشون با هم میشن چی؟ کم یعنی توی قسمت دوم هم شیطان را مخاطب قرار میده هم اونایی که ازش پیروی کردند. دیگه غایب نیستند .

**سوال:** میشه آیت الکرسی از نور به سمت تاریکی؟ پاسخ: بله.

" فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا (۶۳) " " مَوْفُور " اسم مفعوله. جزایی هست که همش داده بشه اصلا ذخیره نشه یعنی کامل و تمام، خدا جزای اینها را بده.

**سوال:** جهنم هم از اول بوده؟ یعنی شناخته شده هست؟ پاسخ: یه مخلوق هست.

**سوال:** یعنی وقتی خدا به شیطان میگه یعنی شناخته شده بوده؟ پاسخ: شاید هم همون جا خلق کرده ما زمان خلق جهنم را نمیدونیم. زمانش را نمیدونیم. این از بخش اول امروز باز یه خورده طولانی شد .

"مَوْفُورًا" از وَفَرَ مِيَاد. يَعْنِي اَيْنَكِه تَمَام و كَمَال اَيْن جَزَا پَرْدَاخْت مِيَشِه دَر وَاقَع. ( دَقِيْقَه ٦٠ )  
خَب اَيْن قَسْمَت اَوَّل خَسْتِه نَبَاشِيْد.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ